

## اسنادی جدید پیرامون عکاسخانه اندرونی

دکتر محمد ستاری\*<sup>۱</sup>، خدیجه محمدی نامقی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه آموزشی عکاسی و ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup> کارشناس ارشد عکاسی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۵/۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۸/۱۱)

### چکیده:

در میان کارکردهای مختلف دوربین عکاسی در قرن نوزدهم در ایران، از همان ابتدا مسئله عکاسی از زنان و مغایرت آن با شیوه‌های بازنمایی در غرب به عنوان یک مسئله فرهنگی مطرح شد. ترس از قرارگیری زنان در مقابل دوربین عکاسی، عکاس نامحرم و افتادن عکس‌های آنها به دست دیگران، عکاسی از زنان را غیرممکن جلوه می‌داد. تفتن و موضع برتر ناصرالدین شاه، اولین گام‌ها را در جهت شکستن این تابوی فرهنگی برداشت و عکاسی او از بانوان حرمسرایش آغاز به تصویر کشیدن زنان بوسیله دوربین عکاسی در ایران شد. عکاسخانه همایونی، اولین مکانی بود که به طور رسمی و به دستور ناصرالدین شاه برای انجام امور عکاسی، ظهور و چاپ عکس‌ها تأسیس شد. این عکاسخانه در جنب شمس‌العماره واقع بود. اسناد جدید یافت شده که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند نشان می‌دهند که با توجه به ملاحظات اخلاقی که در مورد عکاسی از زنان و ظهور و چاپ عکس‌های بانوان حرم وجود داشته‌است و با توجه به فاصله زیاد عکاسخانه همایونی تا اندرونی، ناصرالدین شاه مکانی را در اندرون ناصری به عکاسخانه اختصاص می‌دهد. عکاسخانه اندرونی به امور عکاسی از بانوان حرم اختصاص داشته و مدیریت آن به عهده امینه اقدس، یکی از بانوان برجسته و با نفوذ دربار بوده‌است.

### واژه‌های کلیدی:

عکاسخانه اندرونی، عکاسی از زنان، ناصرالدین شاه، عکس.

## مقدمه

مرآه‌السلطان لشکرنویس، جعبه عکاسی خرید و در زاویه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، هر زنی که رد می‌شود، چه روباز چه با روبنده عکس آن را فوراً برمی‌داشت و می‌گوید با روبنده هم عکس را از زیر برمی‌دارد" (نکاء، ۱۳۷۶، ۱۸۶). انحصار عکاسی از زنان تنها در اختیار ناصرالدین شاه بود. شاه از همه و هر آنچه به او تعلق داشت، عکس می‌گرفت. از صفوف زنان حرمسرا و تهیه پرتره‌هایی از بانوان حرم در حالات خصوصی تا ببری خان (گریه‌شاه) و غلامان و کنیزکان سفید و سیاه چهره و... علاقه وافر شاه به عکاسی و به ویژه عکاسی از بانوان حرمسرا، برای نخستین بار منجر به حرمت شکنی و از میان برداشتن عرف اخلاقی رایج شد (طهماسب پور، ۱۳۸۱، ۴۷). اما این حرمت شکنی صرفاً برای شاه و تحت شرایط خاصی امکان پذیر بود و ناپسند بودن تهیه تصویر از بانوان همچنان به‌عنوان عرف رایج برای سایر عکاسان درباری مطرح بود.

آقارضا اقبال السلطنه اولین عکاس حرفه‌ای ایران نیز به دلیل عدم تخطی از عرف رایج جامعه و اطاعت از اوامر ملوکانه در عکاسخانه همایونی هرگز عکسی از زنان نگرفت. چند تصویر زنی هم که از وی باقی مانده در حین سفرهای مختلف به دستور شاه و زیر نظر مستقیم وی با هدف در اختیار داشتن اطلاعات کامل تر از شهرها و اقوام مختلف، تهیه شده و یا تصویری از دختر بچه‌ها است که برطبق قوانین اسلامی مکلف به حجاب نبوده و عکاسی از آنها مجاز بوده است (محمدی نامقی، ۱۳۸۶، ۱۳۱). تاج السلطنه؛ یکی از دختران ناصرالدین شاه، در خاطرات خود می‌نویسد:

"در زمانی که مرا برای شوهرم شیرینی می‌خورند و من هشت ساله بودم، یک عکس مرا در آن زمان انداخته، برای شوهرم می‌فرستند. این عکس را تمام فامیل دیده بودند؛ زیرا که من هشت ساله و قابل حجاب نبوده‌ام" (اتحادیه، ۱۳۷۱، ۷۷).

رشد و گسترش فن و هنر عکاسی در ایران، از دربار ناصر شروع شد. علاقه و شیفتگی ناصرالدین شاه به این فن و هنر نوظهور، عکاسی را از حصار کاخ‌های ناصری خارج کرد و دیری نپائید که رجال و اشراف زاده‌ها و سپس مردم عادی در عکاسخانه‌های عمومی، طالب تصویری عکاسانه از خویش شدند.

شاه در پاسخ به این اشتیاق عمومی، دستور تأسیس اولین عکاسخانه عمومی را به آقا رضا اقبال السلطنه اولین عکاس حرفه‌ای ایران می‌دهد که این عکاسخانه به مدیریت عباس علی بیگ شاگرد آقا رضا<sup>۱</sup> اداره می‌گردید (نکاء، ۱۳۷۶، ۵۸). سپس روند رو به رشد تأسیس عکاسخانه‌ها را در تهران و سایر شهرستان‌ها شاهد هستیم. رشد چشمگیر عکاسی با کمتر مخالفتی روبرو شد. اما عینیت تصویر عکاسی در مقابل تصاویر خیالی نقاشی‌ها و مینیاتورها در دل مردان ایرانی دلهره ایجاد کرد. ترس از قرارگیری زنان در مقابل دوربین عکاسی و عکاس نامحرم و افتادن عکس‌های آنها به دست دیگران عکاسی از زنان را غیر ممکن جلوه می‌داد.

در اعلان عکاسخانه دارالفنون<sup>۲</sup> به تاریخ ۲۱ محرم ۱۲۹۴ ق. در روزنامه علمی به صراحت در فصل دوازدهم آن حضور زنان در عکاسخانه ممنوع اعلام شده بود.

"فصل دوازدهم: وضع این عکاسخانه محض رجال است و مطلقاً جماعت نسوان ممنوعند که داخل عکاسخانه شوند، خواه روسته، خواه روگشاده، خواه مسلم، خواه خارجه از مذهب اسلام که حجاب را در مذهب خود واجب نمی‌دانند" (ستاری، ۸۰، ۱۳، ۲۵).

همچنین برخی از متعصبین دست به تبلیغات سوء درباره این موضوع می‌زدند و شرایط عکاسی از زنان را سخت تر می‌کردند. مرحوم نکاء به نقل از ملک المورخین می‌نویسد:

## عکاسخانه اندرونی

نام آن را "عکاسخانه همایونی" می‌گذارد (طهماسب پور، ۱۳۸۱، ۴۲ و ۲۴). از این زمان به بعد، ناصرالدین شاه دامنه فعالیت‌های عکاسی خود را گسترش می‌دهد که شامل عکسبرداری از زنان حرمسرا، غلام بچه‌ها و ساختمان‌های قصر سلطنتی است.

عکاسی از زنان از جمله شاخه‌های عکاسی است که برای اولین بار توسط ناصرالدین شاه مورد توجه قرار گرفت که حاصل این توجه منجر به تولید انبوهی عکس از بانوان حرم شد که علاوه بر نمایش سیر پیشرفت شاه در عکاسی، اینک اسناد مهمی برای

ورود کارلهیان<sup>۳</sup> عکاس فرانسوی به ایران در سال ۱۲۷۵ ه.ق/۱۸۵۸ م. صورت گرفت. ناصرالدین شاه عکاسی را با واسطه یا بی واسطه به شیوه کلدیون تر، نزد وی آموخت. آقارضا اقبال السلطنه، اولین عکاس حرفه‌ای ایران نیز آموزش‌های لازم را به دستور ناصرالدین شاه زیر نظر کارلهیان آموخت و چون در این فن به درجه کمال رسیده بود در سال ۱۲۸۰ ه.ق/۱۸۶۳ م. به لقب "عکاسباشی" سرفراز گردید. در همین سال‌ها شاه یکی از ساختمان‌های کاخ سلطنتی را به عکاسخانه اختصاص می‌دهد و



تصویر ۱- زیر نویس عکس: "عمارت حرم خانه طهران"،  
عکاس: حسینعلی.  
مأخذ: (سمسار، ۱۳۸۲، ۲۵۰)

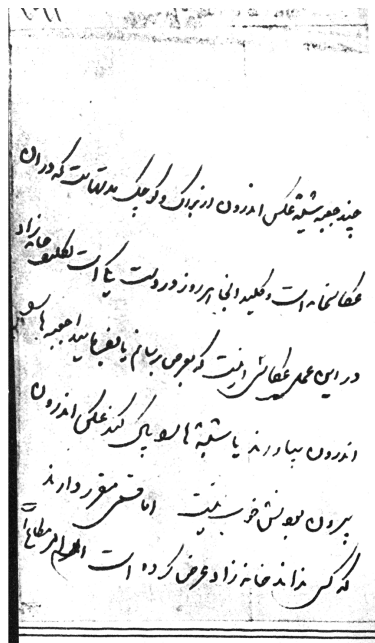
اعتماد السلطنه در خاطرات خود در تاریخ ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۹۹ هـ.ق نوشته است: "عمارت اندرونی شاه تمام نشده. حرم خانه در آبدارخانه و صندوقخانه و عکاسخانه متفرق منزل کرده‌اند" (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۹، ۲۰۲). در سال ۱۳۰۳ هـ.ق ناصرالدین شاه مصمم گردید که برای خوابگاه خود نیز کاخی به سبک جدید در وسط باغچه اندرون بسازد (تصویر ۲). مباشرت ساختن این کاخ نیز به محمد ابراهیم خان امین السلطان واگذار گردید. بنای خوابگاه به سبک اروپایی ساخته و در نهم رجب ۱۳۰۴ هـ.ق طی مراسم خاصی افتتاح گردید (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۵۴ تا ۲۴۲).



تصویر ۲- زیر نویس عکس به خط ناصرالدین شاه: "جلو عمارت خوابگاه [خوابگاه] اندرون طهران است سنه ۱۳۰۴ او دنیل جمادی الثانی حوت"،  
عکاس: حسینعلی.  
مأخذ: (سمسار، ۱۳۸۲، ۲۵۳)

مطالعات اجتماعی- تاریخی زنان به شمار می‌روند. تصاویر بانوان حرم به شکل پرتره‌های تک نفره و گروهی در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود می‌باشند. این تصاویر در سفر و بیشتر در اندرون ناصری و در حالت‌های خصوصی گرفته شده‌اند. در امر عکاسی از بانوان حرم (آنجا که شاه می‌خواست خود نیز در عکس حضور داشته باشد) و ظهور و چاپ عکس‌ها، شاه به دلیل محرمیت از جعفرقلی خان نیرالملک<sup>۵</sup>، موجول خان<sup>۶</sup> و عزیز خان<sup>۷</sup> خواجه<sup>۸</sup>؛ هر یک به نوبت در دوره زمانی خاصی کمک می‌گرفت و بجز شاه و افراد نام برده هیچ کس اجازه نداشت وارد حیاط عکاسخانه شود (ذکاء، ۱۳۷۶، ۸۰، ۵۷ و ۳۸). با توجه به حساسیت موضوع و ممنوعیت عکاسی از بانوان برای عکاسان دربار این سوال مطرح می‌شود که آیا شاه و عکاسان درباری از یک عکاسخانه واحد برای ظهور و چاپ عکس‌ها استفاده می‌کرده‌اند؟ از آنجا که بیشتر عکس‌های بانوان حرم بدون پوشش چادر و در فضای اندرونی گرفته شده‌اند، آیا شاه برای هر بار عکاسی دستور می‌داده، وسایل لازم را (با توجه به اینکه حمل و نقل دوربین‌های بزرگ اولیه هم چندان آسان نبوده) از عکاسخانه همایونی به اندرون منتقل کنند؟

اولین عکاسخانه رسمی در ایران؛ عکاسخانه مبارکه همایونی، به دستور ناصرالدین شاه در یکی از عمارات مخصوص پادشاهی ایجاد و کلیه امور آن به آقا رضا سپرده شد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۲۶). این عکاسخانه در جنب شمس‌العماره<sup>۹</sup> واقع بود. در سال ۱۲۷۵ هـ.ق در روزنامه ملتی، نمره ۲۳ پیرامون سرآغاز عکاسی در ایران و تأسیس عکاسخانه مبارکه همایونی چنین آمده است: "... برای انتشار این علم و وسعت درین عمل، یکی از عمارات مخصوص پادشاهی را که در جنب شمس‌العماره واقع است و هم دری به خارج [خیابان ناصریه] دارد مخصوص به عکاسخانه فرموده به عکاسباشی [آقا رضا اقبال السلطنه] سپردند. ... (ستاری، ۱۳۸۰، ۲۰). شمس‌العماره در ضلع شرقی کاخ گلستان واقع شده است. دیوان خانه یا کاخ گلستان از سمت شمال بوسیله چند در و دالان باریک با حرم خانه که اندرون و فرح آباد نیز نامیده می‌شد ارتباط داشت. پیش از سلطنت ناصرالدین شاه عمارات اندرون همان ساختمان‌ها و اطاق‌ها و تالارهای دوران فتحعلی شاه بود. حرمخانه در دوره ناصرالدین شاه در سه مرحله به دستور وی دستخوش تغییرات عمده و نوسازی گردید. ابتدا در سال ۱۲۷۱ هـ.ق توسط حاجب‌الدوله [پدر اعتماد السلطنه] و در سال ۱۲۹۹ هـ.ق پس از آنکه زندهای حرمسرای ناصرالدین شاه رو به ازدیاد نهاد و رفته رفته جا تنگ شد، جهت وسعت اندرون تمام بناهایی را که حاجب‌الدوله ساخته بود خراب کردند. عمارت جدید با نظارت امین السلطان (میرزا ابراهیم خان) وزیر دربار ساخته و در تاریخ هفتم ربیع الاول ۱۳۰۰ هـ.ق خدام حرم به این سرای داخل گردیدند (تصویر ۱).



تصویر ۴- سند مکاتبه آقا رضا عکاسباشی با شاه. (ماخذ: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۵۰۱۲۲۳، ۲۹۵۰، تاریخ سند ۵۱۲۸۴.ق)

اندرونی خود به عکاسخانه اختصاص می دهد که تمام امور مربوط به عکاسی از بانوان حرمسرا، توسط شاه و تحت کنترل او در همین عکاسخانه صورت می گرفت.

در واقع در کنار عکاسخانه همایونی که به امور عکاسی دربار می پرداخت و عکاسان درباری در آن مشغول به کار بودند، عکاسخانه اندرون مبارکه منحصراً اختصاص به شاه و بانوان حرم داشت و جزء شاه، بانوان حرم و جعفر قلی خان نیرالملک، موچول خان و عزیز خان خواجه هیچ کس اجازه نداشت وارد حیاط عکاسخانه شود.

#### سند شماره یک

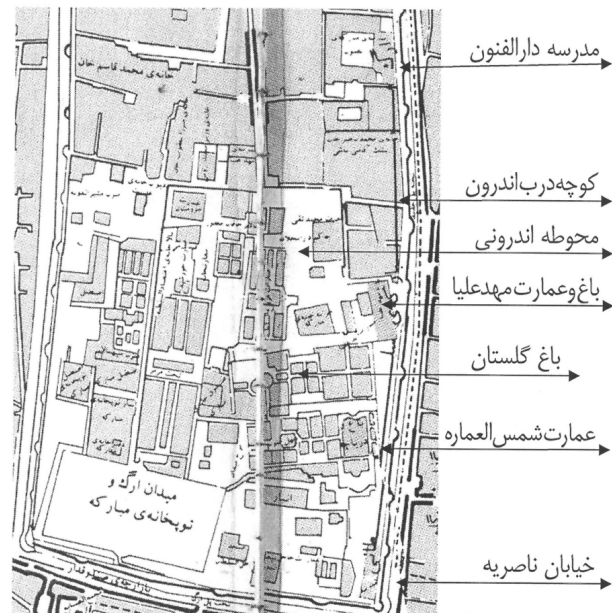
#### "تلگراف امینه اقدس" به ناصرالدین شاه [مربوط به سفر اول فرنگستان شاه]:

از التفات حضرت اقدس شهریاری روحنا فداه الحمد لله احوال بسیار خوب است، از تشریف آوردن قبله عالم جان رفته دوباره به تن آمد و از این خوشحالی ساعتی هزار مرتبه شکرانه خدا را بجا می آورم. عکس قبله [عالم] رسید، قسمت شد، عکس علی حده که مرحمت فرموده بودید در روی صندلی در میان حیاط گذاشتم، خانمها عصرها می آیند زیارت می کنند. ببری خان عرض بندگی می رساند. صبح تا شام مشغول درست کردن عکس خانه [عکسخانه]، خانه قبله عالم هستم.

امین اقدس

به تاریخ ۲۳ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۹۰<sup>۱۱</sup>

از اندرون شاهی دو درب به دیوانخانه باز می شد یکی جنب اتاق های تاج الدوله نخستین زن عقدی ناصرالدین شاه و دیگری کنار عمارت موزه (شمال کاخ) واقع بود (معیر الممالک، ۱۳۶۲، ۴۱). مجموعه اندرونی در دوره پهلوی تخریب و جای آن ساختمان فعلی وزارت امور اقتصادی و دارایی ساخته شد. بنابراین دیوانخانه (کاخ گلستان) بین عکاسخانه همایونی و اندرونی قرار داشت (تصویر ۳).



تصویر ۳- نقشه آرگ سلطنتی در سال ۱۲۷۵ ه. ق بر اساس نقشه موسیو کرشیش.

ماخذ: (محمودیان، ۱۳۸۴، ۴)

یکی از اسنادی که اخیراً یافت شده است به مکاتبه آقا رضا شاه پیرامون عکس بانوان حرم اشاره می کند.

"چند جعبه شیشه عکس اندرون از بزرگ و کوچک مدت هاست که در آن عکاسخانه است و کلید آنجا هر روز در دست یکی است [۰]. تکلیف خانه زاد در این عمل عکاسی اینست که به عرض برسانم یا بفرمایید جعبه ها را [به] اندرون بیاورند یا شیشه ها را پاک کند [۰]. عکس اندرون بیرون بودنش خوب نیست اما قسمی مقرر دارند که کس نداند خانه زاد عرض کرده است. اله امر مطاع است"<sup>۹</sup> (تصویر ۴).

از مقایسه موقعیت مکانی بنای شمس العماره و مجموعه اندرونی و سند مکاتبه آقا رضا با شاه و همچنین اسنادی که در ادامه خواهد آمد می توان استنباط کرد که در اوایل دوره عکاسی شاه از بانوان حرم، شاه جهت ظهور و چاپ عکس هایش از همان عکاسخانه همایونی استفاده می کرده است. اما به تدریج با گسترش فعالیت های عکاسی اش و ملاحظات اخلاقی که آقا رضا عکاسباشی هم به آن اشاره کرده بود، شاه بنایی دیگر را در فضای

### سند شماره سه " دستخط ناصرالدین شاه به امینه اقدس [مربوط به سفر دوم فرنگستان شاه]

به امین اقدس  
احوال چطور است به تفصیل بنویس احوال بچه ها چطور  
است. عمارت عکاسخانه بالاها را البته پاک تمیز کرده اید. اگر  
تعمیر و بنایی لازم داشته باشد به آغا باشی بگو معمارباشی را  
بیاورند، خوب درست کند. عکس خانه [عکاسخانه] زیر را هم  
پاک و تمیز بکند حاضر باشد. ما انشاء الله خیلی زود به تهران  
خواهیم آمد. <sup>۱۵</sup>

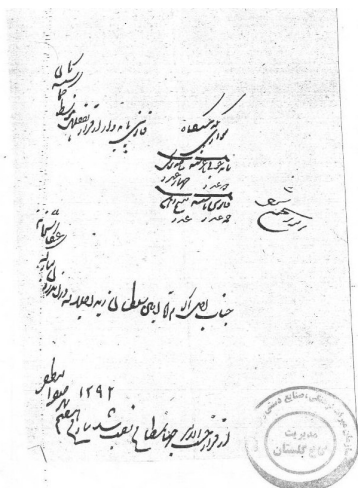
اسناد فوق همچنان اثبات می کند که عکاسخانه مبارکه اندرون  
زیر نظر یکی از بانوان برجسته و با نفوذ حرم ناصر؛ امینه  
اقدس، اداره و امورات مربوط به این عکاسخانه حتی در غیاب شاه  
و حضور او در فرنگ تحت کنترل این بانو بوده است. آخرین سند  
ارائه شده در این مقاله به صورت لوازم عکاسی نصب شده در  
عکاسخانه جدید اندرون اشاره می کند.

### سند شماره چهار

"سواری یک دستگاه  
فانوس پایه دار از قرار تفصیل بتوسط  
گماشتگان  
پایه چوبی با عرشیه  
دو عدد  
فانوس با شیشه  
پنج عدد  
پنج عدد  
ابواب جمع شود

جناب اجل اکرم آقا امین السلطان زیداجلاله در اندرون مبارکه  
عکاسخانه

از قرار حسب الامر جهانمطاع [جهان مطاع] نصب شد  
تاریخ هفتم شهر صفر المظفر ۱۲۹۲ " ۱۶  
(تصویر شماره ۶)



سند ۶ - صورت اسناد خریداری شده برای عکاسخانه جدید اندرون.  
(ماخذ: مرکز اسناد کاخ گلستان، سند شماره ۰۴۶۵۸۵)

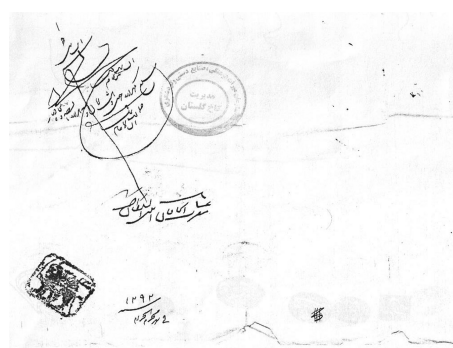
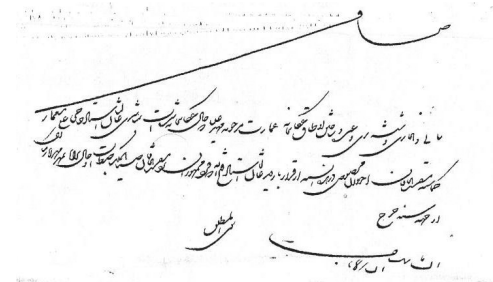
عکاسخانه ای که امینه اقدس از آن نام برده در فضای اندرونی  
واقع بوده که امکان رفت و آمد وی به آنجا به راحتی فراهم بوده  
است.

دو سال پس از فوت مهد علیا<sup>۱۲</sup>؛ مادر ناصرالدین شاه، احتمالاً  
به دلیل کوچک بودن اندرونی، یکی از اتاق های عمارت مرحومه  
مهد علیا نیز به عکاسخانه اختصاص داده می شود. در واقع با  
تبدیل یکی از اتاق های مهد علیا به عکاسخانه، دو عکاسخانه در  
فضای اندرون ایجاد شده بود. که اسناد زیر به شرح تبدیل و  
بنایی عکاسخانه جدید می پردازد.

### سند شماره دو

" صرف [مصرف]  
بنایی و نجاری و شیشه بری و غیره ساختن اطاق [اتاق]  
عکاسخانه عمارت مرحومه مهد علیا که حال عکاسخانه شده  
است بمباشری [به مباشری] عالی شأن استاد حاجی علی معمار  
گماشته مقرب الخاقان آجودان مخصوص در هذه السنه از قرار  
بازدید عالی شأن استاد فتح الله که فرد<sup>۱۳</sup> مههور آن نزد مقرب  
الخابان ضیاءالملک ضبط است و حال برات به مهر مهر آسا مبارک  
از جهه [جهت] سند خرج

سوای المطلق  
ایت ائیل  
مبلغ یک هزار و چهل و هشت تومان و سه هزار و سیصد و  
پنجاه دینار  
مقرب الخاقان امین السلطان  
۴ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۲ " ۱۴ (تصویر شماره ۵)



تصویر ۵ - سند تبدیل یکی از اتاق های عمارت مرحومه مهد علیا به  
عکاسخانه.

(ماخذ: مرکز اسناد کاخ گلستان، سند شماره ۰۴۲۲۹۸)

تجمل‌پرستی و خودستایی پذیرفتند. تابوی عکاسی از زنان شکسته شد تا جایی که عبدالله میرزا<sup>۱۹</sup> نیز اجازه عکاسی از زنان دربار و اشراف را یافت.<sup>۲۰</sup> عکس‌های او از زنان نشان می‌دهد که او از جمله عکاسان تحصیل کرده در فرنگ بوده که به خوبی اصول ترکیب بندی و نورپردازی را به شیوه غربی در عکس‌هایش رعایت کرده و از درک بصری بهتری (به دلیل آشنایی با آثار هنری غربی) نسبت به عکاسان هم عصر خویش برخوردار بوده است. عبدالله میرزا به کپی کردن عکس‌های زنان غربی می‌پرداخت، این امر نشان می‌دهد که کم‌کم تقاضا برای تهیه عکس‌هایی از زنان در جامعه مطرح شده بود که عبدالله میرزا به این کار مبادرت می‌کرد (محمدی نامقی، ۱۳۸۶، ۱۹۲).

در واقع حضور برخی ایرانیان در خارج از کشور باعث شد که آنها به این واقعیت پی ببرند که در پرده نگاه داشتن زنان از دید اروپایی‌ها نادرست و مورد انتقاد است و بنابراین باید پنهان شود. این شرم فرهنگی همراه با آگاهی از حضور زنان در شهرها و فضاهای عمومی اروپا به تدریج باعث آن شد که از چشم غربی به خود بنگرند و رابطه خود با زنان را علنی کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۱۳۵). به این ترتیب زیبایی طبیعی و متفاوت جنس مونث به شکل تصاویری واقع‌گرا از سیمای زنان در آثار نقاشانی چون کمال‌الملک و تصاویر عینی عکاسانه همراه با مفهوم طبیعی بودن عشق مابین دو جنس پدیدار شد. عکاسی نیز در جریان این روند اجتماعی نقش مهمی در فروش تصاویر زنان بازی کرد.

عین السلطنه در خاطرات خود می‌نویسد: "...از آنجا بازار رفتم. نه قطعه عکس از عکس‌های زن‌های مشهور و معروف جدید گرفتم. عکس زن زیاد داشت. اغلب بد بود. از آنجا منزل آمدم..." (سالور، ۱۳۶۹، ۳۵۶).

همچنین " ... دکان عکس فروشی بود. عکس زن داشت. تمام را خودش انداخته اسم و رسمشان را خوب می‌دانست. اما اغلب بد شکل و بد ترکیب بودند. یعنی عکس آنها را بد انداخته بود. چون زن‌ها کمتر عکس می‌اندازند اصول و وضع نشستن و لباسی که برای عکس خوب باشد نمی‌دانند چیست. عکاس هم آنقدر فهم ندارد که حالی کند و عکس را به قاعده و خوب بیندازد. بی‌مناسبتی لباس آنها و بد نشستن آنها و بی‌وقوفی عکاس، عکسها را ضایع کرده و از جلوه انداخته است. ..." (همان، ۱۳۶۹، ۷۰۷).

به تدریج با ظهور عکاسخانه‌های عمومی، ابتدا عکس به درون خانواده‌های ارمنی رفت. زنان ارمنی از اولین زنانی بودند که وارد عکاسخانه‌ها شدند. ما حضور آنها را به شکل تک‌چهره‌های یک نفره و یا در عکس‌های خانوادگی شاهد هستیم.<sup>۲۱</sup> اما در سایر موارد ابتدا عکاسان زن به تعداد انگشت شمار ظاهر شده بانوانی چون اشرف السلطنه، فاطمه و عذرا خانم با عکاسی از زنان، ممنوعیت عکاسی از زنان مسلمان را کم رنگ کردند (ذکاء، ۱۳۷۶، ۱۷۸). سپس شاهد ظهور عکاسخانه‌های زنانه (یا با حضور عکاس بانو) در شهرستان‌ها هستیم (صانع، ۲۹، ۱۳۷۹).

گرچه عکاسی از بانوان امری ناپسند و خلاف شرع محسوب می‌شد اما با سیاست‌های شاه در استفاده از محارم و خواجگان نوجوان، اختصاص دو مکان به عکاسخانه در فضای اندرونی و مدیریت آنها توسط یکی از بانوان تراز اول دربار نشان می‌دهد که عکاسی هنر نوظهوری که در ابتدا در دربار ناصری هنری مردانه تلقی می‌شد از طرف بانوان دربار به سرعت پذیرفته شده و احتمالاً خود گهگاه به این هنر مردانه نیز می‌پرداخته‌اند (تصویر ۷).



عکس باقری  
در قفسه نگارخانه

تصویر ۷- نوشته زیر عکس به خط ناصرالدین شاه و چنین است: "تاریخ ایضا، باقری [نام یکی از زنان صیغه‌ای ناصرالدین شاه] نصف شیشه را در قفسه شکسته اینطور شد. عکاس: احتمالاً باقری. (ماخذ: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران)

همچنین ارسال عکس توسط شاه به حرم در طی سفرهای فرنگستان و دریافت عاشقانه این عکس‌ها از جمله کارکردهای مهم عکس در حرم ناصری بود.

دوربین عکاسی توسط اشراف و رجال از دربار ناصری به خارج برده شد. از این پس شاهد ظهور تصاویر خانوادگی، نقش زنان در زندگی روزمره و حالات خودمانی‌تر و راحت‌تر در عکس‌ها هستیم. رجالی چون خاندان معیر الممالک<sup>۱۷</sup>، صنایع السلطنه<sup>۱۸</sup> و ... آزادانه کارکردهای مختلف دوربین عکاسی را تجربه می‌کردند به همین دلیل تصاویر زیادی از زنان این خانواده‌ها در لباس‌های رسمی و غیر رسمی، تفریحات بیلاقی، عکس‌هایی با جلوه‌های ویژه چون مونتاژ را شاهد هستیم (محمدی نامقی، ۱۳۸۶، ۱۴۶ و ۱۶۴). عکس انداختن از زنان خانواده رجال امری بدیهی شد. زنان این طبقه عکس را هم به دلیل ویژگی‌های خود تصویر عکاسی (عینیت) و هم به دلیل حس

کارشکنی‌ها و مخالفت‌های بسیاری مواجه بود. در روزنامه ایران نو در سال ۱۳۲۸ ه.ق یکی از مدارس دخترانه تهران عکاسی را جزء برنامه درسی خود اعلام کرده بود.<sup>۲</sup> این آگهی علاوه بر انعکاس رشد چشمگیر عکاسی در ایران، اشتیاق زنان را نیز به عکس و به فراگیری این صنعت - هنر جدید آشکار می‌سازد.

شیوه شهرنشینی جدید، علاقه و نیاز خانواده‌ها به تصاویر عکاسانه؛ در کنار رعایت قوانین عرفی و مذهبی، نیاز به حضور عکاسان زن آموزش دیده را محسوس‌تر می‌کرد. توجه به آموزش زنان و امکان تأسیس مدارس دخترانه با شیوه آموزش نوین (در مقابل شیوه مکتب‌خانه‌ای) در فضای فکری و فرهنگی پس از انقلاب مشروطه، به وجود آمد که البته این مسئله در آغاز با

## نتیجه

منحصراً اختصاص به شاه و بانوان حرم داشت و مدیریت آن به امینه اقدس از بانوان با نفوذ حرم سپرده شده بود. تابوی عکاسی از زنان تحت سیاست‌ها و تدابیر ملوکانه در ایجاد یک عکاسخانه در اندرونی و استفاده از محارم و خواجگان در عکاسی از بانوان حرم، شکسته شد. سپس شاهد روند رو به رشد عکاسی از زنان با رعایت ملاحظات عرفی - اعتقادی، هستیم. این امر ابتدا از خانواده‌های اشراف آغاز شد و به تدریج شاهد حضور زنان در عکاسخانه‌های عمومی، فروش عکس بانوان و آموزش عکاسی در مدارس دخترانه هستیم.

پس از ورود عکاسی به ایران، مسئله عکاسی از زنان و مغایرت آن با شیوه‌های بانمایی آنان در اروپا به عنوان یک ممنوعیت اجتماعی و اعتقادی مطرح شد. پایبندی مردان و زنان ایرانی به حجاب اسلامی و روگیری از نامحرمان، مانع از حضور زنان در برابر دوربین عکاسی و مرد نامحرم می‌شد. عکاسان درباری اجازه گرفتن عکس از بانوان را در عکاسخانه همایونی نداشتند و زنان نیز مجاز به حضور در عکاسخانه نبودند. در کنار عکاسخانه همایونی که به امور عکاسی دربار می‌پرداخت و عکاسان درباری در آن مشغول به کار بودند، ناصرالدین شاه مکانی را در اندرون به عکاسخانه اختصاص می‌دهد. عکاسخانه اندرون مبارکه

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱ آقا رضا اقبال السلطنه (۱۳۰۷-۱۲۹۵ ه.ق) ن.ک به تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، ص ۴۷.
- ۲ عباسعلی بیگ شاگرد آقا رضا و ناظم عکاسخانه مبارکه همایونی و مدیر اولین عکاسخانه عمومی در ایران ن.ک به تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام ...، ص ۵۸.
- ۳ این عکاسخانه در سال ۱۲۹۳ ه.ق در سر در مدرسه دارالفنون تأسیس شد. ن.ک به منابع مکتوب هنر ایران، ص ۲۰.
- ۴ Francis Carlhian (1818-1870) ورود به ایران در سال ۱۲۷۵ ه.ق/۱۸۵۸ م.
- ۵ جعفر قلی خان نیرالملک متولد ۱۲۷۴ ه.ق. فرزند رضا قلی خان هدایت، معروف به لاله باشی (۱۲۷۴-۱۳۳۲ ه.ق). وی برادر علی قلی خان معروف به مخبرالدوله بود. با تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق) به آنجا وارد گشت و مدرک مهندسی خود را از مدرسه مذکور دریافت نمود. در سال ۱۲۷۶ رئیس کتابخانه آنجا شد و سال بعد، ناظم مدرسه و در ۱۲۷۸ رئیس دارالفنون گردید و تا ۱۳۱۲ این سمت را به عهده داشت. سمت‌های دیگری عبارتند از: نیابت وزارت علوم همراه با ریاست مدرسه دارالفنون (۱۲۹۹-۱۲۹۲ ه.ق)، دریافت لقب "نیرالملک" در سال ۱۳۰۲، تصدی وزارت علوم (۲۲-۱۳۱۳ ه.ق) و تصدی وزارت علوم و اوقاف به مدت یک ماه و چند روز در کابینه میرزا احمد خان مشیر السلطنه (۱۳۲۵). ن.ک به القاب رجال دوره قاجاریه، صص ۲۰۸ و ۱۳۹. همسر اول جعفر قلی خان، خواهر ندیم السلطنه یکی از زنان ناصرالدین شاه بود. جعفر قلی خان از او صاحب فرزند نشد و زود هنگام درگذشت. ن.ک به خاطرات و خطرات ...، ص سی و یک. وی اولین دستیار شاه در عکاسی از بانوان حرم بود. شادروان یحیی ذکاء در مورد وی می‌نویسد: جعفر قلی خان عکاسی را نزد ریشار خان فرا گرفته بود و از سوی با شاه همزلف (باجناق) بود و محرمیت داشت، شاه برای گرفتن برخی عکسها که خود نیز می‌خواست در عکس حضور داشته باشد، او را به اندرون می‌برد و با اینکه هیچ کس اجازه نداشت وارد حیاط عکاسخانه شود جعفر قلی خان آزادانه به آنجا آمد و رفت کرده عکسهای شاه را ظاهر و چاپ می‌کرد. جستجوی صاحبان این قلم در مورد اینکه چرا مرحوم ذکاء باجناق بودن جعفر قلی خان را اسباب محرمیت وی بیان کرده است تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده است. ن.ک به تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام ...، ص ۸۰ تا ۸۲.
- ۶ اعتماد السلطنه در باب این جوان می‌نویسد: چهارشنبه ۲۳ ذی‌الحجه سنه ۱۲۹۸ ه.ق. ... موجهول خان پسر آقا خان و مادرش طوطی خانم همدانی دده شاه است. اوقاتی که پادشاه طفل بود این خدمتکار همدانی را که در اندرون مرحومه مهدعلیا بود به فرارش درب اندرون که آقا محمدخان باشد دادند. در بدو دولت شاه این جوان بوجود آمد. [۱۲۶۷ ه.ق] ... این پسر هم چون پسر دده بود و به اندرون راه داشته است کم کم طرف التفات شاه شده است. تا رشدی کرد و غلام بچه شد. از معلومات این طفل در غلام بچگی این بود که اخبار از اندرون به بیرون و از بیرون به اندرون می‌برد ... قدری که سن او زیاد شد نزدیک بود که از اندرون رانده شود. تدبیری مادرش بخاطر رسید و آنوقت

- شاه عکاسی می فرمود و غالباً عکس حرمخانه و زندهای مردم را که به حرمخانه سلطنتی می رفتند، برمی داشت. غافل از معاف بودن. این پسر خودی را که با جعفرقلی خان که الحال رئیس مدرسه [دارالفنون] است و آنوقت شأنی نداشت آشنا کرد. این محرمیت اسباب اعتباری به جهت او شد. می گویند بعضی از عکسها را هم به دیگران می داد. اما گمان نمی کنم راست باشد.
- خلاصه شاه که از عکاسی کسل شدند [پایان دوره اول و وقفه هفت ساله] این جوان اسباب فضولی به جهت خود ندید، اعمال طفولیت خود را مجدداً پیش گرفت، اما به جورهای دیگر و پخته تر. "موچول خان در اوایل سال ۱۲۸۹ ه. ق مسئول زین خانه شاهی شد که در آن زمان کار مهمی به شمار می رفت. هچنین او در سفرهای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۵ ه. ق به اروپا جزء ملتزمین رکاب بود. وی به سال ۱۳۲۳ ه. ق در دوره حکومت مظفرالدین شاه در گذشت. ن. ک به روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، ص ۱۲۹.
- ۷ عزیزخان خواجه از خواجه گان سفید و خوشگل بود. نامبرده ابتدا خواجه عایشه خانم یکی از زنان سوگلی ناصرالدین شاه بوده که از سال ۱۳۰۶ ه. ق خواجه امین السلطان شد. عزیز خان در سفر سوم از همراهان شاه به فرنگ بوده است. اعتماد السلطنه در خاطرات خود در روز جمعه ۴ شوال ۱۳۰۵ قمری درباره رجوع دوباره شاه به عکاسی می نویسد: "شاه چند روز است عکاسی میفرماید. عزیزخان خواجه هم شاگردشان است. مدتی بود ترک کرده بودند باز شروع فرمودند." ن. ک به روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، ص ۵۷۱. در ایامی که عزیز خان، خواجه اندرون شاه بود امین السلطان او را به طرف خود جلب کرده و مأمور دادن گزارش جریان اوضاع اندرون شاه نمود. ناصرالدین شاه از جریان امر مطلع و فهمید که مأمور گزارشهای محرمانه اندرون، عزیز خان خواجه است باین جهت او را از اندرون اخراج و به امین السلطان بخشید و روابط مستقیم او را با حرمسرا بکلی قطع کرد و از سال ۱۳۰۶ ه. ق به بعد خواجه امین السلطان شد. ن. ک به شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۳۲۳.
- ۸ شمس العماره به همت معیر الممالک طراحی شد و معمار آن استاد علی محمد کاشی بوده است. دلیل شاخص بودن این بنا ارتفاع آن است که شاه به تقلید بناهای مرتفع اروپایی برای دیدن دورنمای شهر دستور ساخت آنرا در سمت شرقی ارگ سلطنتی در سال ۱۲۸۴ ه. ق صادر کرد. ن. ک به (نکاء، ۱۳۴۹، ص ۲۷۱).
- ۹ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱۲۲۳-۲۹۵۰۰، شماره بازیابی ۱۰۸-۴ آ آر ۱، شماره فیش ۰۰۳۰۳۰۶۰۳، تاریخ سند ۱۲۸۴ ق. یک برگ.
- ۱۰ زبیده خانم یا امینه اقدس از زنان سوگلی ناصرالدین شاه و عمه ملیجک، وی به دلیل شهرتی که در امانت داری داشت به امینه اقدس ملقب گشت و جواهرات ناصرالدین شاه به او سپرده می شد. ن. ک به خاندانهای حکومتگر ایران، ص ۷۵.
- ۱۱ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷. سند شماره ۴۹، ص ۵۰۱.
- ۱۲ ملک جهان خانم یا جهان خانم ملقب به مهد علیا و مشهور به نواب علییه (ولادت ۱۲۲۰ - فوت دوشنبه ۶ ربیع الثانی ۱۲۹۰ ه. ق) دختر امیر محمد قاسم خان قاجار قویونلو (ظهور الدوله) و بیگم جان خانم دختر دوم فتحعلیشاه قاجار و مادر ناصرالدین شاه قاجار و ملک زاده عزت الدوله (همسر امیر کبیر) او همسر محمد شاه سومین پادشاه قاجار بود. ن. ک به زنان نامدار تاریخ ایران، ص ۱۳.
- ۱۳ فرد: ورقه ای به مقدار نصف قطع خشتی که مستوفیان بر آن جمع و خرج ولایتی یا ایالتی یا خرج خاصی را می نوشته و زیر هم دسته می کرده اند. ن. ک به لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۰۵۴.
- ۱۴ مرکز اسناد کاخ گلستان، سند شماره ۴۲۲۹۸.
- ۱۵ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹. سند شماره ۹۶، ص ۴۴۷.
- ۱۶ مرکز اسناد کاخ گلستان، سند شماره ۴۶۵۸۵.
- ۱۷ فرزندان معیر الممالک، دوست محمد خان و میرزا محمد خان حشمت الممالک از اولین اشراف آماتور و پیشگام در امر عکاسی ن. ک به تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام ...، ص ۸۸.
- ۱۸ میرزا احمد خان صنیع السلطنه و پسرش میرزا ابراهیم خان عکاسباشی. او و پدرش عکاسان دربار مظفرالدین شاه بودند. آنها در سفرهای فرنگ مظفرالدین شاه همراه وی بوده و در سفر اول به همراه تعدادی دوربین، اولین دستگاه سینماتوگرافی را با خود به ایران آوردند. ن. ک به تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام، صص ۱۴ و ۷۵.
- ۱۹ عبد الله میرزا (۱۳۲۶-۱۲۶۶ ه. ق) دومین عکاس مشهور و پرکار ایرانی بعد از آقا رضا اقبال السلطنه. ن. ک به تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام ...، ص ۱۰۸.
- ۲۰ ن. ک به تصاویر شماره های ۹۷۶، ۷۷۵ و ۷۶۹ در میکروفیلم های موجود در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- ۲۱ نمونه های زیادی از این تصاویر را می توان در آثار ارنست هولتسرو آنتوان سوریوگین مشاهده کرد.
- ۲۲ آگهی تأسیس مدرسه انائیه ناصریه، در این مدرسه دروسی چون فارسی، عربی، جغرافی، حساب، فرانسه و اقسام مختلف صنعت از قبیل خیاطی، کاموا دوزی و عکاسی تدریس می شد. روزنامه ایران نو، ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۸ ه. ق، سال اول، ش ۱۶۸، ص ۱.

## فهرست منابع:

- ابراهیمی، ثمیلا (۱۳۸۴)، نقاشی قاجار و تجربه مدرنیته، فصلنامه حرفه هنرمند، شماره ۱۳، صص ۱۲۰-۱۲۷.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۱)، خاطرات تاج السلطنه، نشر تاریخ ایران، تهران.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷)، شرح حال رجال ایران، ج ۶، کتاب فروشی زوار، تهران.
- بختیاری اصل، فریبرز (۱۳۷۵)، زنان نامدار تاریخ ایران، انتشارات زوار، تهران.



- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶)، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹)، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- روزنامه ایران نو، سال ۱۳۲۸ ه.ق، شماره ۱۶۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۰۰۱۲۲۳-۲۹۵.
- سالور (عین السلطنه)، قهرمان میرزا (۱۳۶۹)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، نشر اساطیر، تهران.
- ستاری، محمد (۱۳۸۰)، منابع مکتوب هنر ایران، هنرنامه، شماره ۱۳، صص ۱۷-۲۹.
- سمسار، محمد حسن و سرائیان، فاطمه (۱۳۸۲)، فهرست عکسهای برگزیده عصر قاجار، سازمان میراث فرهنگی و کاخ گلستان، تهران.
- سلیمانی، کریم (۱۳۷۹)، القاب دوره قاجاریه، نشر نی، تهران.
- صانع، منصور (۱۳۷۹)، پیدایش عکاسی در شیراز، نشر سروش، تهران.
- طهماسب پور، محمد رضا (۱۳۸۱)، ناصرالدین شاه عکاس، نشر تاریخ ایران، تهران.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۷۷)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۷۹)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران.
- محمدی نامقی، خدیجه (۱۳۸۶)، بازنمایی زنان در عکس های اواخر قرن نوزدهم میلادی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.
- محمودیان، علی اکبر (۱۳۸۴)، نگاهی به تهران از آغاز تا کنون، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی، تهران.
- مرکز اسناد کاخ گلستان، اسناد شماره ۴۶۵۸۵ و ۴۲۲۹۸.
- معیر الممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۲)، یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران، تهران.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۷۵)، خاطرات و خطرات، توشه ای از تاریخ بنش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگی من، انتشارات زوار، تهران.